



## Iran-Russia Relations and the Prospects for Regional Cooperation in Eurasia

Ahmad Rezaei<sup>1</sup>, Ismail Shafiei<sup>2\*</sup>, Mohammad Ali Basiri<sup>3</sup>

Received: 2024/12/23

Accepted: 2025/02/05

Research Article

### Abstract

After the collapse of the Soviet Union and the disappearance of the bipolar system, the process of regional cooperation was strengthened to meet the needs and goals of various geographical groups and regions. In practice, a significant number of regional economic organizations were formed during this period. One of the key developments was the creation of an economic union of countries located in northern Eurasia. Russia seeks to establish its centrality as a coordinating order in the Eurasian macro-regional system. Russian-Iranian relations in the Eurasian dimension demonstrate the continuation of Russia's foreign policy towards Iran on maintaining relations with its influential southern neighbor. Iran's foreign policy strategy aims to develop cooperative relations among the countries of the Eurasian region. The purpose of this article is to identify and analyze the possible types and forms of Iran's regional cooperation in Eurasia, within the framework of relations with Russia and the Union's foreign partners. This article seeks to answer the question of what impact do Iran-Russia relations in Greater Eurasia have on regional cooperation and the promotion of Iran's position? The research findings show that Iran can develop relations with member states in Greater Eurasia regional cooperation. Iran's capacity to achieve strategic, economic, political and security goals in the Eurasian macro-regional system can also be created. This article examines the above issue using library resources and a descriptive-analytical method.

**Keywords:** Iran, Greater Eurasia, Regionalism, Russia

Rezaei, A. Shafiei, I., & Ali Basiri, M. (2026). Iran-Russia Relations and the Prospects for Regional Cooperation in Eurasia. *Journal of Political and International Research*, 17(65), pp. 52-66.

<sup>1</sup>Department of Political Science and International Relations, Sha. C., Islamic Azad University, Shahreza, Iran  
*ahmad.rezaei10@iaui.ac.ir*

<sup>2</sup>Department of Political Science and International Relations, Sha. C., Islamic Azad University, Shahreza, Iran (**Corresponding Author**) *esmaeilshafiei@iaush.ac.ir*

<sup>3</sup>Department of Political Science and International Relations, University of Isfahan *basiri@ase.ui.ac.ir*



## روابط ایران و روسیه و چشم انداز همکاری منطقه ای در اوراسیا

احمد رضائی<sup>۱</sup>، اسماعیل شفیعی\*<sup>۲</sup>، محمد علی بصیری<sup>۳</sup>

مقاله پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷
--------------	---

### چکیده

پس از فروپاشی شوروی و از بین رفتن نظام دوقطبی، روند همکاری های منطقه ای برای تأمین نیازها و اهداف گروه ها و مناطق مختلف جغرافیایی گسترش یافت. در عرصه عمل، شمار قابل توجهی از سازمان های اقتصادی منطقه ای در این دوره شکل گرفتند. یکی از تحولات کلیدی، ایجاد یک اتحادیه اقتصادی از کشورهای واقع در شمال اوراسیا بوده است. روسیه به دنبال ایجاد مرکزیت خود به عنوان یک نظم ساز، در سیستم کلان منطقه ای اوراسیا است. روابط روسیه و ایران در زمینه اوراسیا، نشان‌دهنده تداوم سیاست خارجی روسیه برای حفظ روابط با همسایه قدرتمند جنوبی خود، ایران است. راهبرد سیاست خارجی ایران توسعه روابط و همکاری با کشورهای منطقه اوراسیا است. هدف از نگارش این مقاله شناسایی و تحلیل ماهیت همکاری های منطقه ای ایران در اوراسیا، درچارچوب روابط با روسیه و اعضای این اتحادیه است. این مقاله بدنبال پاسخ به این سؤال است که روابط ایران و روسیه در اوراسیا بزرگ چه تاثیری در همکاری منطقه ای و ارتقاء جایگاه ایران دارد؟ یافته های تحقیق نشان می دهد که همکاری های منطقه ای ایران در اوراسیا زمینه توسعه روابط با کشورهای عضو این اتحادیه را فراهم می کند و موجب دسترسی ایران به اهداف استراتژیک در منطقه اوراسیا می گردد. این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه ای و به روش توصیفی تحلیلی به بررسی موضوع فوق پرداخته است.

**واژگان کلیدی:** ایران، روسیه، منطقه گرای، اوراسیای بزرگ

رضائی؛ احمد، شفیعی؛ اسماعیل، بصیری؛ محمد علی (۱۴۰۴). روابط ایران و روسیه و چشم انداز همکاری منطقه ای در اوراسیا.

فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۶۵، صفحات ۶۶-۵۲

<sup>۱</sup>دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل [ahmad.rezaei10@iau.ac.ir](mailto:ahmad.rezaei10@iau.ac.ir)

<sup>۲</sup>دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل (نویسنده مسئول) [esmaeilshafiee@iaush.ac.ir](mailto:esmaeilshafiee@iaush.ac.ir)

<sup>۳</sup>گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه اصفهان [basiri@ase.ui.ac.ir](mailto:basiri@ase.ui.ac.ir)

## مقدمه

روابط ایران و روسیه در گذشته به دلیل قراردادهای گلستان (۱۸۱۳م.) و ترکمنچای (۱۸۲۸م.) و حافظه تاریخی منفی ایرانیان نسبت به روسیه، مثبت نبوده است. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و کاهش نگرانی‌های امنیتی مرزهای شمالی ایران، همکاری‌ها در حوزه امنیت و ثبات منطقه افزایش پیدا کرد. هرچند همکاری‌های ایران و روسیه از حالت تاکتیکی به سمت استراتژیک حرکت می‌کند، اما سطح روابط اقتصادی آن‌ها همچنان ضعیف است. تحریم‌های آمریکا علیه هر دو کشور، فرصتی برای همکاری اقتصادی نزدیک‌تر به ویژه در بخش نفت و انرژی فراهم کرده است. (Saraswat, 2018) دیدگاه‌های مشترک نسبت به غرب و مسائل منطقه موجب نزدیک‌تر شدن دو کشور گردید.

بعد از پایان جنگ سرد، گرایش به سوی منطقه‌گرایی در مناطق گوناگون جهان بیشتر شده است. اوراسیا از مناطق ژئواستراتژیک است که همواره در کانون توجه کشورهای مختلف بوده است. همانطور که مورخ مشهور استاوریانوس استدلال کرد، این اوراسیا است که قلب تاریخ جهان است. اوراسیا مهد اولین و توسعه یافته‌ترین تمدن‌ها است. بخش عمده تاریخ جهان در واقع تاریخ اوراسیا است. این در قاره اوراسیا است که مردمان و تمدن‌های مختلف تأثیرات عظیم و ماندگاری بر یکدیگر داشتند. بنابراین، اوراسیا جایگاه مهمی در تاریخ توسعه تمدن‌های بشری دارد. (Цинсун Вань 2017:48) اهمیت استراتژیک اوراسیا از زمان هالفورد مک کیندر، جغرافیا شناس بریتانیایی، که در سال ۱۹۰۴م. گفت: «کسی که بر اروپای شرقی حکومت می‌کند، صاحب قلب زمین است. کسی که بر قلب زمین حکومت می‌کند، صاحب جزیره جهانی (اوراسیا) است و کسی که مالک جزیره جهانی است، صاحب جهان است»، مورد تأکید بوده است. زیبگنیو برژینسکی، تحلیلگر معاصر، در کتاب «صفحه بزرگ شطرنج» از این دیدگاه حمایت می‌کند و اوراسیا را آخرین میدان نبرد برای هژمونی جهانی می‌داند. او معتقد است که تسلط بر اوراسیا به معنای کنترل دو تا از سه کشور پیشرفته و مناطق مولد اقتصادی جهان است. ناتو نیز به عنوان ابزاری قدرتمند برای اعمال نفوذ سیاسی و نظامی کشورهای غربی در اوراسیا مورد اشاره قرار می‌گیرد. (Brzezinski, 1997:31)

اتحادیه اقتصادی اوراسیا از بدو تاسیس به عنوان یک اتحادیه اقتصادی جدید، به موضوع مناسبات اقتصاد جهانی و همکاری منطقه‌ای توجه داشته است. در شرایط کنونی، این اتحادیه لازم می‌داند دامنه همکاری‌های بین‌المللی خود را برای اطمینان از منافع تجارت کشورهای عضو در بازارهای خارجی گسترش دهد. اگرچه استراتژی مشخصی برای تشکیل یک خط مشی خارجی تدوین نشده است، اما مفاهیمی مانند «اوراسیای بزرگ» و «مشارکت اوراسیای بزرگ» در سخنرانی‌های مقامات دولتی کشورهای اوراسیا و وزرای این اتحادیه به چشم می‌خورد. این اصطلاحات نشان‌دهنده نوعی همکاری بین اتحادیه اقتصادی اوراسیا به عنوان هسته ادغام و شرکای خارجی است که بر توسعه یکپارچه زیرساخت‌ها، حمل و نقل، مخابرات و انرژی در شرق و غرب تمرکز دارد. (Владимировна, 2018) در مجمع اقتصادی سن پترزبورگ در ژوئن ۲۰۱۶م، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، قصد مسکو را برای آغاز «مشارکت بزرگ اوراسیا» بیان کرد. چارچوبی برای یکپارچگی سیاسی، امنیتی و اقتصادی کلان منطقه‌ای که کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کشورهای مستقل مشترک المنافع و همچنین چین، هند، پاکستان و ایران را در بر می‌گیرد. (Putin, 2016)

مشارکت بزرگ اوراسیا، یا «اوراسیای بزرگ»، نشان‌دهنده تلاش مسکو برای قرار دادن خود به عنوان یک نظم‌ساز مرکزی در سیستم کلان منطقه‌ای اوراسیا است. اما مفهوم اوراسیا بزرگ در گفتمان سیاست خارجی روسیه به طور کلی بیانگر فرآیندهای ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و هنجاری همزمان است که روسیه، چین و کشورهای آسیای مرکزی پس از شوروی را با مغولستان، ایران، پاکستان و هند متحد می‌کند. آنان وارد یک فضای جدید ژئوپلیتیکی قدرتمندی می‌شوند که می‌تواند چالشی اساسی برای نظم بین‌المللی لیبرال به رهبری آمریکا باشد. (Lewis, 2018) عده‌ای معتقدند بازیگر اصلی اجرای استراتژی جهانی گرای آمریکایی برای تکه تکه شدن فضای پس از شوروی، بنیاد جورج سوروس بود که به طور فعال «انقلاب‌های رنگی» را

در جمهوری های شوروی سابق برانگیخت که متعاقباً منجر به ایجاد رژیم های روسوفوبیک در آنها و پیوستن به ائتلاف ضد روسیه (ضد اوراسیا) آن شد. (Геннадьевна, 2020: 186)

با رشد توجه به منطقه اوراسیا، بازسازی مفهوم و محتوای درونی این فضا در دستور کار محافل علمی بسیاری از کشورها قرار گرفته است. این فرآیند شامل همکاری ایده‌ها و مفاهیم مختلف است. برای حمایت نظری از همکاری‌های منطقه‌ای اوراسیا و توسعه روابط بین دولتی، استفاده از نظریه‌های موجود همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، از جمله منطقه‌گرایی در نظریه روابط بین‌الملل غرب، پیشنهاد می‌شود.

## ۲- مبانی نظری

### ۲-۱- منطقه گرایی

منطقه گرایی گرایی در سیاست خارجی است که عمدتاً پس از جنگ جهانی دوم آغاز شد. از آن زمان، منطقه گرایی به تدریج در دو دوره متمایز، دوره جنگ سرد و دوره پس از جنگ سرد تکامل یافته است. منطقه گرایی در هر دوره ای تحت تأثیر بسترهای سیاسی و ایدئولوژیک آن زمان بوده است. دوره جنگ سرد با رویارویی دو قطبی و ایجاد بلوک های منطقه ای مشخص می شد. دوره پس از جنگ سرد یک سیستم بین المللی را ایجاد کرد که با تغییرات اساسی در توزیع قدرت جهانی و نادیده گرفتن نیاز به ایجاد بلوک های منطقه ای برای اهداف سیاسی مشخص می شود. فقدان رویارویی شرق و غرب باعث شد بازیگران بین‌المللی - چه دولتی و چه غیردولتی - به چالش‌ها و فرصت‌های اقتصادی خود فکر کنند، که دسترسی به بازار بین‌المللی از طریق اجرای پروژه‌های منطقه‌ای است. (Barbieri, 2019)

منطقه گرایی به پدیده عمومی و همچنین ایدئولوژی اشاره دارد. منطقه گرایی، یعنی تمایل به نظم منطقه ای، چه در یک منطقه جغرافیایی خاص یا به عنوان نوعی نظم جهانی است. (Hettne & Söderbaum, 1998: 5) بیوردن هتته منطقه گرایی را، تلاش برای برقراری نوعی کنترل سیاسی سرزمینی، بر روندهای جهانی شدن و همکاری های فرامرزی قلمداد کرده است، در عین حال منطقه گرایی نو می‌تواند خواسته یا ناخواسته راهی به سوی نوعی جهان گرایی باشد. به دلایل روشنی منطقه گرایی پدیده متنوع تر از جهانی شدن است. تشکیل مناطق در مقام پاسخی به جهانی شدن هم در طول زمان و هم در بین حوزه‌های فرهنگی مختلف جهان، شکل‌های متفاوتی به خود می‌گیرد. منطقه گرایی فضای منطقه را همگون می‌سازد و با کاهش حاکمیت نقش دولت‌های ملی را تغییر می‌دهد. (هتته، ۱۳۹۱: ۵۶-۵۵) جهانی شدن نتیجه عمل آن دسته از بازیگران اقتصادی است که احساس می‌کنند منافعشان کمتر با حوزه‌های اقتصادی یا مناطق بین‌المللی و بیشتر با بازارهای جهانی به ویژه شبکه‌های جهانی تولید و فناوری گره خورده است. انگیزه منطقه گرایی می‌تواند میل به اصلاح جهانی شدن یا مقابله با آن باشد.

بنابراین، منطقه گرایی ابعاد مختلفی دارد، این اصطلاح اغلب برای اشاره به رشد یکپارچگی اجتماعی در یک منطقه استفاده می‌شود. اغلب فرآیند‌ها به جهت وابستگی متقابل اجتماعی و اقتصادی ممکن است ایجاد شود. در واقع، توافق های منطقه ای آمیزه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نگرانی های امنیتی را دربر دارند. (Charlius, 2024) منطقه گرایی می‌تواند در برخی شرایط جلوی مشکلات به حاشیه رانده شدن را بگیرد. در گذشته، منطقه گرایی عمدتاً به دلایل ژئوپلیتیکی از بیرون تحمیل می‌شد و انگیزه کمی برای همکاری اقتصادی داشت. دوم حاشیه‌هایی که عملاً برای همکاری و همگرایی منطقه‌ای وجود داشت، اغلب از دوران استعمار به ارث رسیده بود. این ترتیبات تجاری منطقه‌ای به ندرت نتیجه دلگرم کننده‌ای داشت. زیرا الگوی نابرابر توسعه جهانی را بازتولید می‌کردند که منجر به تنش‌های سیاسی می‌شد. (هتته، ۱۳۹۱: ۷۴-۷۳) در عین حال ساختار دموکراتیک دولت‌ها می‌تواند زمینه‌های مساعدی را برای همکاری و همگرایی منطقه‌ای فراهم کند. یکی از مشکلات همگرایی در هر منطقه، نگرانی دولت‌ها از دست دادن اقتدار، امنیت، و منافع ملی است. تحت این شرایط، با وجود برخورداری از پتانسیل‌های بالای اقتصادی و وجود زبان، نژاد، دین، تاریخ و جغرافیای مشترک که همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه موقتی و گذرا شکل می‌گیرد که به رشد اقتصادی کشورها کمک چندانی نمی‌کند. (قوام، ۱۳۹۳: ۶۳-۶۲)

## ۲-۲- منطقه گرایی اقتصادی

به اعتقاد واقع‌گرایان محیط بین‌المللی به علت آنارشیک بودن، نظم سلسله‌مراتبی و ناظم رسمی وجود ندارد. برخی نظریه‌پردازان و تحلیل‌گران بر این باورند که همکاری و همگرایی بین کشورهای دشوار و گاهی ناممکن است. اما واقعیت روابط بین‌الملل نشان‌دهنده انواع مختلف همکاری و همگرایی در سطوح متفاوت است. بنابراین، همکاری‌های بین‌المللی و همگرایی در نظام بین‌المللی فاقد حکومت مرکزی شکل گرفته‌اند. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۶: ۸۷) همکاری منطقه‌ای با انگیزه و اهداف گوناگونی شکل می‌گیرد که یکی از آنها جنبه اقتصادی دارد. منطقه‌گرایی اقتصادی در برگیرنده تمایل گروهی از کشورها در یک محدود جغرافیایی مشخص برای همکاری اقتصادی است که اولین نشانه‌های آن انعقاد موافقت‌نامه‌های ترجیحی و رشد میزان تجارت و سرمایه‌گذاری بین آنها و در نهایت، تشکیل اتحادیه اقتصادی است. (امیدی، ۱۳۸۸: ۴۲)

از آنجا که در یک سازمان اقتصادی منطقه‌ای پای‌اعضای کمتری در میان است، حصول توافق، پذیرش و انضباط سختگیرانه‌تر در میان اعضا آسانتر است. در همین حال دولت‌های منطقه‌ای برای پیشبرد جهانی شدن اقتصادشان جوایز همکاری خارجی نیز هستند. این دو روند در اقتصاد جهانی معاصر یکدیگر را تقویت می‌کنند و همکاری اقتصادی منطقه‌ای پلی برای رسیدن به همگرایی جهانی در آینده است. ایران برای ادغام شدن در اقتصاد جهان باید جزو هر دوی این روندها باشد. همکاری منطقه‌ای تخصیص منابع را تقویت و این مکمل هم بودن اقتصادها را به نیروهای تولیدی راستینی تبدیل می‌کند. از همین رو کشورهای برخوردار از سطوح توسعه نیافتگی اقتصادی متفاوت می‌توانند در روند همگرایی اقتصادی همکاری کنند. (شین جیرو، ۱۳۹۱: ۴۰۵-۴۰۸)

## ۲-۲- تنوع همکاری منطقه‌ای

مطالعه همکاری‌های بین‌المللی در چند دهه گذشته به عنوان سنگ بنای تحقیقات روابط بین‌الملل ظهور و تکامل یافته است. دولت‌ها از زمانی که توسیدید در مورد دیپلماسی، معاهدات و اتحادها بیش از دو هزار سال پیش صحبت کند، همکاری بین‌المللی را انجام داده‌اند. با این حال مطالعه همکاری‌های بین‌المللی به طرز شگفت‌آوری جوان است. مفهوم همکاری، همانطور که در حال حاضر آن را درک می‌کنیم، در اوایل دهه ۱۹۸۰م. متبلور شد. (Dai, Snidal & Sampson, 2017) بنا بر یک تعریف همکاری عبارت است از وضعیتی که طرفها توافق می‌کنند با همدیگر کارکنند، تاضمن پرداخت هزینه، منافع جدیدی را برای هریک از شرکت‌کنندگان ایجاد کنند که از طریق کنش و اقدام یک‌جانبه به تنهایی قابل دسترسی نیست. در تعریف دیگری همکاری به معنای یک نوع رابطه و الگویی از همکاری‌های بین دو یا چند بازیگر بکار می‌رود. همکاری بین‌المللی انواع و اشکال گوناگونی دارد. براساس نوع و ماهیت بازیگران بین‌المللی دوتی و غیر دوتی همکاری ممکن است. با توجه به سطح و مقیاس، همکاری به دوجانبه، چندجانبه، منطقه‌ای و جهانی تقسیم می‌شود. از نظر شکل و شیوه هم به دو صورت رسمی و غیر رسمی همکاری قابل تحقق است. برپایه حوزه‌ای نیز به انواع مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و غیره تقسیم می‌شود. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ۹۱-۸۷)

همکاری منطقه‌ای بین دولتی ممکن است رسمی باشد و درجات بالایی نهادینه شدن را شامل شود. اما ممکن است بر ساختاری بسیار سست تر و «غیررسمی» آن نیز باشد. همکاری منطقه‌ای بین دولتی به یک فرآیند باز اشاره دارد، که به موجب آن دولت‌های منفرد برای حل وظایف مشترک، و منافع متقابل در زمینه‌های خاصی مانند؛ زیرساخت‌ها، آب، انرژی و غیره همکاری دارند. بنابراین همکاری از دیدگاه منافع تک‌تک کشورهای عضو قابل درک است. (Hettne & Söderbaum, 1998: 8) هم‌تئوری و هم سابقه سیاست بین‌الملل نشان می‌دهد که شروع همکاری دشوار و پس از ایجاد شکننده است، با این حال بازیگران منطقی می‌توانند از نهادها استفاده کنند یا نهادهای جدیدی را طراحی کنند. تا بر موانع غلبه کنند و همکاری‌های بین‌المللی را ارتقا دهند. در یک بازی تکراری، اگر سایه آینده به اندازه کافی طولانی

باشد، بازیگران می توانند با یکدیگر همکاری کنند، موسسات می توانند با سازماندهی عوامل سودمند دوجانبه در سراسر موضوعات، مزایای همکاری را افزایش دهند. (Dai, Snidal & Sampson, 2017)

بنابراین از یک سو، همکاری مستلزم وجود نهاد های فراملی و فوق ملی در سطح منطقه ای است. از سوی دیگر، گروه های ذی نفع واحزاب سیاسی در داخل کشورها هستند که منافعی را در همکاری دنبال می کنند. اینها معمولاً پیوندهای فراملی نیز دارند. در این برداشت از همکاری تاکید بر «منافع» است. (مشیرزاده ۱۳۸۹: ۶۱-۶۲) سه بُعد علاقه متقابل، تعداد بازیگران و چشم انداز مشترک بر تمایل بازیگران به همکاری نیز تأثیر می گذارد. همکاری درک یکدیگر را برای دولت ها آسان ترمی کند. (Keohane, 1985: 249) همکاری بین بازیگران مستلزم تحقق منافع اقتصادی برای همه بازیگران است. برآوردن الزامات کارایی همکاری از طریق تخصیص اقتصادی است. همکاری در میان بازیگران سیاسی (و گاهی اوقات متخاصم) ممکن است این الزامات سیاسی را برآورده نکنند. ملاحظاتی که معمولاً در تحلیل های اقتصادی نادیده گرفته می شوند، می توانند بشکل مانع یا حتی مسدود شوند عمل کنند، بنابراین ترتیبات منطقه ای چارچوبی پیشنهاد شده است که هم اقتصادی و هم سیاسی را شامل می شود. (Dinar & Wolf, 1997: 7)

گاهی عملاً نیل به سیاست های مشترک بسیار دشوار می شود و در چنین شرایطی، نهادهای فراملی، نقش میانجی بازی کرده و با تشویق طرفین برای دادن امتیاز به یکدیگر، به همکاری در حوزه های مختلف کمک می کنند. (مشیرزاده، ۱۳۹۱: ۶۴-۶۳) همکاری منطقه ای، اهمیت موضوع خطر پذیری را کاهش داده و سرمایه گذاری خارجی را مقدور می سازد. مانع تحریم ها و مجازات های بالقوه از سوی بازیگران عمومی و خصوصی بین المللی شده و روابط ائتلاف با نهادهای اقتصادی، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول را تقویت می کند. یعنی ائتلاف ها به سبب برتری برنامه های اصلاحی خود محبوب می شوند. (لیک و مورگان، ۱۳۹۲: ۱۱۵)

### ۳- روابط ایران و روسیه

از سال ۱۹۹۲م، با آغاز شکل گیری نظام جدید روابط بین الملل و منطقه ای، روسیه و ایران خود را در فضای استراتژیک متفاوتی یافتند. فرصت های جدیدی مانند ژئوپلیتیک جدید در اوراسیا برای روابط آنها ایجاد شد. یک محدودیت قابل توجه، به ویژه برای ایران، سیاست محدودیت های تحریمی بود. بنابراین، طبیعی است که در دهه ۱۹۹۰ میلادی مسائل امنیتی و توسعه همکاری های اقتصادی به محور گفتگوهای روسیه و ایران تبدیل شده است.

پس از وقوع انقلاب اسلامی و فروپاشی اتحاد شوروی، سیاست خارجی روسیه تحولات زیادی را تجربه کرده است. با کم رنگ شدن ایدئولوژی مارکسیسم، روسیه بیشتر بر تاریخ، فرهنگ، هویت و ملی گرایی تمرکز کرده است. ناتوانی های ناشی از نگرش آتلانتیکی و به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین در سال ۱۹۹۹م، منجر به تغییر رویکردهای سیاست خارجی این کشور شده است. بعد از ورود پریماکف به وزارت خارجه، سیاست خارجی روسیه از آتلانتیک گرایی به اوراسیا گرایی تغییر یافت. (علویان، حسن نیارمی، ۱۳۹۸: ۴۲۰) رابطه ایران و روسیه به چند نکته کلیدی بستگی دارد:

۱. حمایت روسیه: روسیه تنها قدرت برتری است که بطور نسبی از منافع ایران پشتیبانی می کند.
۲. منافع منطقه ای: ایران منافع روسیه را در آسیای مرکزی و قفقاز مد نظر دارد.
۳. جهان چندقطبی: هر دو کشور به جهانی چندقطبی اعتقاد دارند و از نفوذ آمریکا در روابط جهانی ناراضی هستند، بنابراین با سیاست های آمریکا که آن ها را منزوی می کند، مخالفت می کنند.
۴. تهدیدات مشترک: هر دو کشور با تهدیدات مشابهی از طرف آمریکا روبرو هستند. و مخالف حضور نیروهای نظامی آنها در نزدیکی مرزهای خود هستند.
۵. وابستگی اقتصادی: روسیه نیاز به منابع مالی جدید برای نوسازی اقتصادی دارد و ایران به کالاهایی که به دلیل تحریم ها دسترسی ندارد، نیازمند است. (بهمن، ۱۳۹۳: ۱۵۴-۱۵۳)

اعمال تحریم‌های آمریکا علیه ایران و روسیه، باعث شده است این دو کشور به یکدیگر نزدیک‌تر شوند و همکاری‌های تجاری و اقتصادی بیشتری داشته باشند. ایران و روسیه در حال توسعه روابط تجاری در دو بخش انرژی و غیرانرژی اقتصاد از جمله کشاورزی، صنعت و خدمات هستند. آنها در سال ۲۰۰۹م، یک قرارداد کشاورزی و در سال ۲۰۰۸م، یک قرارداد مخابراتی امضا کردند. در سال ۲۰۱۰م، ایران و روسیه قراردادی را برای گسترش همکاری در توسعه بخش انرژی خود منعقد کردند که شامل ایجاد بورس مشترک نفتی بود. شرکت‌های روسی گازپروم و لوک اویل در اجرای پروژه‌های نفت و گاز ایران مشارکت دارند. ایران به کمک روسیه در فروش مازاد منابع انرژی نیاز دارد. (Абдолрасул & Геннадьевна, 2020)

اوراسیا نیز برای ایران از جهت منابع مواد خام گوناگون، بازار فروش کالاهای ایرانی به ویژه مواد مصرفی و مسیری برای انتقال صادرات ایران به مناطق دیگر اهمیت دارد. ایران نیز برای تحکیم پیوند با اقتصاد کشورهای اوراسیا در محورهای ایجاد و گسترش خطوط ارتباطی، خطوط لوله نفت و گاز، و ایجاد مناطق آزاد تجاری فعالیت خود را سازمان می‌دهد. (کولایی، ۱۴۰۱: ۲۱۵) در واقع، تهران همیشه امیدوار بوده است که روابط نزدیک‌تر با روسیه به ادغام اقتصادی با این کشور و همسایگان شمالی در اوراسیا کمک کند.

از دیدگاه مسکو، ایران فقط یک کشور «خاورمیانه‌ای» نیست. بلکه کشوری است که در مرزهای جنوبی «خارج نزدیک» روسیه واقع شده و موقعیت جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی مهمی دارد. منطقه‌ای که مسکو از نظر تاریخی آن را به‌عنوان منطقه مورد علاقه خود می‌داند. روابط روسیه و ایران در بُعد اوراسیا، تداوم سیاست خارجی روسیه بر حفظ روابط با همسایه با نفوذ جنوبی خود می‌باشد. گفتگوها نیز در مورد مسائل منطقه‌ای از دریای خزر تا خلیج فارس و افغانستان متمرکز شده است. با وجود تغییر نظم منطقه‌ای و ظهور بازیگران جدیدی که به دنبال افزایش نفوذ در فرآیندهای سیاسی و اقتصادی اوراسیا هستند، عوامل بنیادی رویکرد مسکو به منطقه، همچنان در شکل‌گیری سیاست خارجی روسیه نسبت به ایران نقش کلیدی خواهند داشت. (Grajewski, 2020: 28) ایران در درجه اول به عنوان یک شریک منطقه‌ای مهم برای روسیه به ویژه در مقابله با نفوذ آمریکا در آسیای مرکزی، قفقاز، خاورمیانه و خلیج فارس است. تهران و مسکو هر دو به ثبات و امنیت منطقه و همچنین مبارزه با تروریسم و مداخله خارجی علاقه نشان داده‌اند. ایران به سومین خریدار بزرگ تسلیحات روسی تبدیل شده است. در گذشته تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد مانع از ادامه همکاری‌های فنی و نظامی ایران و روسیه بود، اما از سال ۲۰۲۰م، و پایان رسمی تحریم تسلیحاتی ایران بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱، روابط فنی و نظامی ایران و روسیه از سر گرفته شد. (Karami, 2022)

علاوه بر تهدیداتی مانند درگیری‌های منطقه‌ای و مداخله نیروهای خارجی در منطقه، تهدیدهای مشترک ایران و روسیه شامل نفوذ فزاینده ناتو در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز است. همچنین برای هر دو کشور، افراط‌گرایی مذهبی و به ویژه تهدید دولت اسلامی مرتبط است. همکاری روسیه و ایران در این موضوعات می‌تواند مبنایی برای یک سیستم امنیتی منطقه‌ای باشد. (Таджаддинович, 2017) ایران و روسیه در حال حاضر متحدان نزدیک هستند و در کنار ارمنستان یک محور در قفقاز را تشکیل می‌دهند. به رغم تحریم‌های اقتصادی غرب علیه ایران، روسیه به شریک تجاری اصلی این کشور، به ویژه در بخش نفت و گاز تبدیل شده است. (Драганов & Самохина, 2016: 43) فرصت‌های دیگر توسعه همکاری‌های اقتصادی ایران و روسیه در چارچوب اوراسیا، ایجاد یک هاب مالی و تجاری است که به توسعه روابط تجاری و اقتصادی، تسهیل تسویه حساب‌های مالی و انجام تجارت برای کارآفرینان کمک می‌کند. یکی از جهت‌گیری‌های سیاست تجاری اتحادیه اقتصادی اوراسیا کنار گذاشتن تدریجی تسویه با دلار و گذار به تسویه متقابل به پول ملی است. (Владимировна, 2022)

طبیعی است که ائتلاف نوظهور ایران و روسیه در جنوب غرب آسیا قبل از هر چیز به دنبال حمایت در مبنای طراحی ژئواکونومیک (امنیت انرژی، کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب، کمر بند و جاده) است و می‌تواند در حوزه‌های گوناگون صورت گیرد. یکی از زمینه‌های مهم همکاری ایران و روسیه می‌تواند توسعه سیاست مشترک در قبال افغانستان با هدف مشارکت این کشور در همکاری‌های تجاری و اقتصادی گسترده منطقه‌ای باشد. از منظر ژئوپلیتیک، مسکو و تهران

فضایی محوری در اوراسیا را اشغال کرده و یک منطقه میانی از نفوذ ژئوپلیتیکی را تشکیل می‌دهند و پتانسیل تمدن‌های پیشرو اوراسیا را تقویت می‌کنند. (Иванович, 2024)

جهت‌گیری روسیه درباره اوراسیا بزرگ، با تأکید بر پتانسیل ایران به عنوان پلی جغرافیایی که اوراسیا را به خاورمیانه و آسیای جنوبی متصل می‌کند، فرصت‌هایی برای تجارت بین‌قاره‌ای فراهم می‌کند. سرگئی کاراگانوف، یکی از معماران اوراسیا بزرگ، معتقد است که ایران می‌تواند به مرکز پویا ابرقاره جدید تبدیل شود، مگر اینکه با محدودیت‌های جدی از طرف غرب مواجه شود. این دیدگاه با نظر ایران درباره نقش تاریخی و پتانسیل آن برای ظهور مجدد به عنوان قدرت منطقه‌ای همخوانی دارد. ایران مشارکت خود در ابتکارات منطقه‌ای را به عنوان تأییدیه‌ای بر مرکزیت خود در ارتقای ارتباطات منطقه‌ای و شکل دادن به نظم جهانی چند قطبی در حال ظهور مطرح می‌کند. (Grajewski, 2020) با این حال، به دلیل بی‌اعتمادی تاریخی و ساختارهای تجاری داخلی، چشم‌اندازهای مشترک اقتصادی ایران و روسیه برای اتصال منطقه‌ای به طور کامل محقق نشده است. مسکو و تهران با چالش‌های اجتناب‌ناپذیری در تحقق اهداف مشترک امنیتی و اقتصادی خود در منطقه مواجه هستند.

### ۳-۱- همکاری‌های منطقه‌ای ایران با اوراسیا

روابط ایران و اوراسیا ریشه در تاریخ این منطقه دارد. قرن‌ها ایران و سرزمین‌های این منطقه، بخش‌هایی از جهان اسلام را تشکیل داده بودند. حکومت شیعی صفوی در ایران و سپس دولتهای کمونیستی در اوراسیا این ارتباط تاریخی را کاهش دادند. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دوباره شرایط برای بازسازی پیوندهای تاریخی و فرهنگی کهن فراهم آمد. ایران از سال‌های پایانی اتحاد جماهیر شوروی حضور و نفوذ خود را در اوراسیا گسترش داد. پیگیری اهداف سیاسی-اقتصادی ایران در اوراسیا با در نظر داشتن پیوندهای قومی، مذهبی و فرهنگی ابعادی رو به گسترش داشته است. (کولایی، ۱۴۰۱: ۲۱۴) اما به دلیل تأکید ایران بر اسلام‌گرایی شیعی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز چندان مایل به همکاری با ایران نبوده‌اند.

در منطقه اوراسیا سه فرامنطقه قفقاز، آسیای مرکزی و حوزه بالتیک قرار دارند. هدف از همکاری اوراسیایی هماهنگی و اتحاد دوباره این مناطق به لحاظ سیاسی و اقتصادی با یکدیگر است. در شرایط بحران اقتصادی جهانی، بی‌ثباتی عمومی ژئوپلیتیک، تنها یک مشارکت اقتصادی عمیق‌تر می‌تواند توسعه کشورهای فضای اوراسیا را تثبیت و سرعت بخشد. اتحادیه اقتصادی اوراسیا مرحله توسعه را به عنوان یک سازمان بین‌المللی و منطقه‌ای با موفقیت پشت سر گذاشته، شخصیت حقوقی بین‌المللی پیدا کرده است و در این مرحله ضروری‌ترین کار توسعه همکاری بین اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کشورهای ثالث است. در واقع، اوراسیا در جستجوی هویت جدیدی در مقابل یک پس‌زمینه جدید قرار دارد. قدرت‌های پیشرو با درک پتانسیل عظیم این منطقه، در پیشنهاد پروژه‌های مختلف ادغام اوراسیا با یکدیگر رقابت می‌کنند. این پروژه‌ها شامل توسعه اتحادیه اقتصادی اوراسیا، با طرح «جاده ابریشم جدید» از سوی دولت آمریکا، ابتکار «کمربند اقتصادی جاده ابریشم» از سوی چین، و سیاست بازاندیشی در قبال فضای اوراسیا است. به علاوه، اخیراً کشورهایمانند هند، ژاپن، کره جنوبی، ترکیه، ایران و چند کشور دیگر نیز توجه خود را به این منطقه افزایش داده‌اند. (Цинсун Вань, 2017)

منطقه‌گرایی ایران به‌عنوان یک استراتژی جدید در دنیای پسا دوقطبی تلقی می‌شود که برای ایجاد شرایطی برای اجرای «ایران قدرتمند در منطقه‌ای قوی» طراحی شده است. ایران خود را به عنوان یک مرکز کلیدی ترانزیت اوراسیا در منطقه جنوب غربی آسیا، قرار می‌دهد. (Karami, 2022) نگاه منطقه‌ای ایران بر تعامل فعال با کشورهای همسایه و ارتقاء نقش خود در منطقه تمرکز دارد. این استراتژی شامل چند جنبه کلیدی است:

۱. اقتصادی: الف) گسترش تجارت: توسعه روابط تجاری با کشورهای همسایه. ب) صادرات انرژی: افزایش صادرات نفت و گاز به کشورهای همسایه و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های انرژی.

۲. سیاسی: الف) تقویت دیپلماسی: تحکیم روابط سیاسی با کشورهای منطقه و حضور فعال در سازمان‌های منطقه‌ای. ب) حفظ امنیت: تلاش برای حفظ ثبات و امنیت در منطقه و مبارزه با تروریسم

۳. فرهنگی و اجتماعی: الف) تبادلات فرهنگی: تقویت ارتباطات فرهنگی و آموزشی با کشورهای همسایه. ب) همکاری‌های مردمی: افزایش همکاری‌های اجتماعی و مردمی در منطقه.

۴. محور مقاومت: الف) پشتیبانی: حمایت از گروه‌هایی که مخالف نفوذ غرب هستند. ب) نفوذ: افزایش نفوذ ایران در خاورمیانه و شمال آفریقا.

۵. استراتژی خاص: الف) نگاه به شرق: توسعه روابط با کشورهای آسیایی. ب) توسعه پایدار: همکاری در پروژه‌های توسعه پایدار و حفظ محیط زیست.

این موضوعات نشان‌دهنده تلاش ایران برای تقویت حضور خود در منطقه و بهبود همکاری با کشورهای همسایه است. توافقنامه موقت تشکیل منطقه تجارت آزاد بین کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ایران اردیبهشت ۱۳۹۷ ش. (۱۷ مه ۲۰۱۸ م.) در آستانه امضا شد. که در سال ۲۰۱۹ م.، لازم الاجرا شد. امکان دوبرابر کردن گردش تجاری متقابل، مذاکرات کاهش عوارض گمرکی با ایران از سال ۲۰۱۶ م.، ممکن شد. موقتی بودن این توافق به این دلیل است که جمهوری اسلامی ایران تحت رژیم تحریم قرار دارد و مکانیسم‌های همکاری با این کشور نیاز به آزمایش دارد. در صورت حصول نتیجه مثبت ظرف سه سال، توافق دائمی صورت خواهد گرفت. نهایتاً در چهارم دی ماه ۱۴۰۲ ش. در سن‌پترزبورگ موافقتنامه تجارت آزاد امضا شد. ایران شریک بسیار امیدوار کننده‌ای برای کشورهای اوراسیا است. (Владимирова, 2018)

در شرایط تشدید بحران در روابط روسیه و غرب، نخبگان سیاسی کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا انتظار دارند که مسکو برای تقویت روابط بین‌المللی و گشایش بیشتر به سمت دنیای بیرون اقدام کند. در پاسخ به این درخواست‌ها، روسیه در سال ۲۰۱۸ م.، به عنوان اولویت خود در ریاست اتحادیه، دوره‌ای از تشدید همکاری با شرکای خارجی را در نظر گرفت. در این راستا، با تغییر اولویت‌های سیاست خارجی، روسیه به همکاری با شرکای آسیایی در قالب‌های نهادی و بین‌دولتی اهمیت ویژه‌ای قائل است. تمرکز بر شرق و ادغام با ابتکارات چین، به الزامات خارجی اتحادیه تبدیل شده است. (Анатольевна&Кристофер, 2019: 19)

راهبرد سیاست خارجی ایران باهدف توسعه روابط همکاری و همگرایی میان کشورهای منطقه اوراسیا در سه حوزه اصلی تجارت، حمل و نقل و انرژی است. با وجود نابرابری در توزیع گردش تجاری بین کشورهای اوراسیا و ایران، پروژه‌های حمل و نقل و قراردادهای انرژی به عنوان عوامل مهمی برای توسعه فرآیندهای یکپارچه‌سازی بین ایران و اوراسیا مطرح هستند. این روند در سه مرحله شامل تعامل بررسی امکان ایجاد منطقه آزاد تجاری، دوم تلفیق هنجاری و حقوقی اصول همکاری‌های تجاری-اقتصادی و امضای موافقتنامه و مرحله سوم توسعه برنامه‌های اقدام بیشتر و مذاکرات برای انعقاد یک توافقنامه تمام عیار در مورد ایجاد منطقه آزاد تجاری است. با این حال، ایران با مشکلاتی از جمله تحریم‌های آمریکا در بخش انرژی، کشتیرانی و مالی مواجه است که می‌تواند بر سرمایه‌گذاری خارجی و همکاری با اتحادیه اوراسیا تاثیر بگذارد. ایجاد و بهبود زیرساخت‌های حمل و نقل و لجستیک به ایران کمک می‌کند تا به حلقه‌ای در ساخت کریدورهای حمل و نقل بین‌المللی تبدیل شود. و روابط عمیق‌تر با اوراسیا به هر دو طرف در مقابله با چالش‌ها و تهدیدهای منطقه‌ای کمک خواهد کرد. -Zeleneva, 2022: 140

(143)

همکاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا به ایران فرصتی می‌دهد تا اثرات تحریم‌های ایالات متحده را کاهش دهد. این واقعیت که چندین کشور اتحادیه اقتصادی اوراسیا تحت تحریم‌های غرب قرار دارند، مطمئناً در این زمینه کمک می‌کند. در ۷ فوریه ۲۰۲۱ م.، رومن گولوچنکو نخست‌وزیر بلاروس اعلام کرد که اتحادیه اقتصادی اوراسیا به دنبال ایجاد مکانیزمی برای مقابله با تحریم‌ها است. ایران نیز به دنبال حذف دلار آمریکا از تسویه حساب‌ها و استفاده از ارزهای ملی است، زیرا تحت فشار ایالات متحده از سیستم سوئیفت جدا شده است. نزدیکی با اتحادیه اقتصادی اوراسیا می‌تواند به ایران کمک کند تا از انزوای سیاسی خارج شود و جایگاه بین‌المللی خود را بهبود بخشد. ایجاد منطقه آزاد تجاری موقت با هدف تبدیل آن به یک توافق کامل، بخشی از تلاش‌های ایران برای تقویت منطقه‌گرایی و همکاری با اوراسیا است. (Smagin, 2021)

### ۳-۲- مشارکت ایران و روسیه در اوراسیا بزرگ

روند منطقه ای شدن جهانی در اواسط دهه ۲۰۱۰م، از مرحله اول خود منطقه ای شدن از نوع جهانی گذشت و وارد فاز دوم ابر منطقه ای شدن شد. ابرمنطقه گرایی را می توان به عنوان یک چشم انداز ایدئولوژیک و سیاسی چندلایه در حال ظهور تعریف کرد که خطوط آن در فرآیند تبلور وضعیت استراتژیک جهانی در جهان با شکل گیری نظم نوین جهانی پویا و پالایش شده است. نتیجه ای منطقه ای شدن باید به ایجاد یک «مگاهویت» سیاسی جدید منجر شود که هم شامل مفاهیم جهانی سکولار یا ائتلافی و هم هویت های غیرسیاسی اولیه مانند محیط زیست، اقلیم و جنسیت است. در این مرحله، دولت های هسته ای اصلی و اتحاد های آن ها نقش کلیدی دارند و به محرک های اصلی منطقه گرایی تبدیل می شوند. بنابراین، می توان از چند مرکز نوظهور در روابط بین الملل منطقه ای صحبت کرد. موضوع غالب روابط بین الملل، با توجه به جهت گیری جهانی خود، باید قادر به حل مشکل اتصال چهار فضای اصلی توسعه (شمال-جنوب-غرب-شرق) باشد. (Иванович, 2024: 270)

هنگامی که اتحادیه اقتصادی اوراسیا نتوانست انتظارات روسیه را برآورده کند، مسکو دامنه ادغام اوراسیا را گسترش داد تا چین و سایر قدرت های نوظهور اوراسیا مانند هند، ترکیه و ایران را نیز در بر بگیرد. حتی قبل از توسعه مفهوم اوراسیای بزرگ، روسیه قبلاً شروع به ایجاد مشارکت با این قدرت های نوظهور به عنوان بخشی از تلاش های خود برای جستجوی موقعیت کرده بود. مشارکت روسیه با چین، به ویژه، به روسیه اجازه داده بود تا دستاوردهای بزرگی را به دست آورد. (Krickovic & Pellicciari, 2021: 94) تا آنجا که به منافع اتحادیه اقتصادی اوراسیا مربوط می شود، باید گفت که ایران پتانسیل جدی برای گسترش این اتحادیه دارد. از نظر همکاری اقتصادی، روسیه و قزاقستان بیشترین سود را از کاهش موانع تعرفه ای خواهند برد. علاوه بر این، این پروژه برای ارمنستان که تنها عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا است که مرز زمینی با ایران دارد و در حال حاضر تحت محاصره جزئی است، مورد توجه ویژه ای قرار دارد. بنابراین ارمنستان می تواند به عنوان یک کشور ترانزیت برای واردات و صادرات ایران مورد استفاده قرار گیرد. توافق تجارت آزاد با ایران نیز برای سیاست ادغام مسکو موثرتر خواهد بود. (Smagin, 2021) تصویر مثبت یا منفی که در این مورد شکل گرفته، می تواند مبنایی برای افزایش یا کاهش جذابیت در منطقه شود که به عنوان یک پارادایم و الگوی اساسی برای ساختن آینده ای امیدوارکننده درک می شود. این مکانیسم می تواند در چارچوب خارجی اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سیاست نگاه به شرق ایران و روسیه در انواع و اشکال احتمالی همکاری بین اتحادیه اقتصادی اوراسیا، ایران و شرکای خارجی ساخته شود.

اولین مورد همکاری اقتصادی منطقه ای منشعب از اتحادیه اقتصادی اوراسیا، (EAEU+3) است که بین ایران، ترکیه و آذربایجان می باشد. در مورد ترکیه، قصد آن برای همکاری با یک پروژه بزرگ مشارکتی مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا را می توان به شرح زیر توضیح داد. وجود سه مسیر ممکن و تا حدودی امیدوارکننده اروپا، خاورمیانه و اوراسیا، برای همکاری اقتصادی ترکیه مطرح است. ادغام ترکیه با اتحادیه اروپا مانند گرجستان، مولداوی و اوکراین تنها در قالب عضویت وابسته امکان پذیر است. این عضویت مستلزم پذیرش تعهدات و شرایطی است که هزینه های اقتصادی زیادی به همراه دارد و در عین حال، به هیچ وجه عضویت کامل فوری را تضمین نمی کند. (Васильевич & Евгеньевич, 2015) برای آنکارا، با توجه به ادغام ناموفق با اتحادیه اروپا و همچنین تمایل به تبدیل شدن به یک رهبر منطقه و ایفای نقش مهمتر در فضای اوراسیا، تقویت همکاری با اتحادیه اقتصادی بسیار مهم است. بسیاری از کشورهای اتحادیه نیز علاقه مند به ایجاد مشارکت با ترکیه هستند. قزاقستان به عنوان یک کشور ترک زبان، روابط نزدیکی با جمهوری ترکیه دارد، روابط خوبی بین آنها ایجاد شده است. همچنین، در سال ۲۰۱۵م، ترکیه و روسیه قرارداد مهمی در زمینه انرژی به نام «جریان ترکی» یا «ترکیش استریم» امضا کردند. این پروژه شامل ساخت یک خط لوله گاز طبیعی است که از روسیه به ترکیه و سپس به کشورهای اروپایی منتقل می شود. در آینده، ترکیه می تواند به یک حلقه مهم در توسعه روابط اتحادیه اقتصادی اوراسیا و اتحادیه اروپا تبدیل شود. روابط شراکتی بین اتحادیه اوراسیا و ترکیه نیز شرایط مساعدی را برای اشکال احتمالی همکاری با جمهوری آذربایجان و عادی سازی روابط آذربایجان و ارمنستان ایجاد خواهد کرد. (Владимировна, 2016)

پروژه «عثمانی‌گرایی جدید» ترکیه تلاش می‌کند تا همکاری‌های انسانی، فرهنگی و آموزشی بین ترکیه، آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان (و در آینده ازبکستان) را تقویت کند. همچنین، این پروژه به دنبال نزدیک‌تر کردن روابط سیاسی و اقتصادی، تحکیم همکاری‌ها و توسعه حمل و نقل، نفت و گاز و توسعه کريدورهای حمل و نقل است. (Геннадьевна, 2020) برقراری روابط ویژه بین اوراسیا و بازیگران قدرتمند منطقه ای مانند ترکیه و ایران، توازن قوا را نه تنها در منطقه، بلکه در جهان به طور اساسی تغییر خواهد داد. روابط نزدیک با ارمنستان همچنین در محاسبات ژئوپلیتیکی ایران و روسیه، از جمله پتانسیل، برای ایجاد یک کريدور شمال-جنوب قرار می‌گیرد. در حالی که ارمنستان را با فضا و گزینه های منطقه ای اضافی فراهم می‌کند. علاوه بر این، انزوای جغرافیایی آذربایجان از ترکیه و مجاورت آن با ایران، اهرم های عمده ای را به ایران داده است. (Mesbahi, 2010)

دومین شکل ممکن همکاری اتحادیه اقتصادی اوراسیا و ایران، ترکیه، آذربایجان، چین، هند، برزیل (EAEU+6) است. این شکل امکان می‌دهد تا حوزه نفوذ اتحادیه اقتصادی اوراسیا را گسترش دهند و از مزایای سازمان همکاری شانگهای (SCO) و بریکس (BRICS) استفاده کنند. در مجمع اقتصادی بین‌المللی سن پترزبورگ، ترکیب اثر هم‌افزایی از اجرای طرح‌های مشارکت بزرگ اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای مورد بحث قرار گرفت. در چارچوب این طرح، کشورهای اوراسیا فقط در مناطقی که منافع دارند، قادر به حفظ استقلال و ادغام خواهند بود.

در سپتامبر ۲۰۲۲م.، در پی اجلاس سران در سمرقند، جمهوری اسلامی ایران به عضویت کامل سازمان همکاری شانگهای درآمد. با الحاق ایران به سازمان همکاری شانگهای که روسیه پیوسته از آن حمایت می‌کرد، یک مرکز خودکفا، مستقل و قدرتمند دیگر برای رشد پایدار همکاری و توسعه صلح در اوراسیا پدید آمده است. فرآیندهای ادغام در قالب اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای ناظران را امیدوار می‌کند که منطقه اوراسیا بزرگ به منطقه ای برای توسعه پایدار و همکاری مراکز مستقل قدرت تبدیل شود. (Иванович, 2024)

همانطور که کارینه میناسیان، وزیر اقتصادی اتحادیه اوراسیا خاطر نشان کرد، سازمان همکاری شانگهای نزدیکترین همسایه جغرافیایی اتحادیه اقتصادی اوراسیا است. علاوه بر این، روسیه، قزاقستان و قرقیزستان در هر دو انجمن ادغام مشارکت دارند و بلاروس و ارمنستان به دنبال تقویت ارتباطات خود با سازمان همکاری شانگهای هستند. کارینه میناسیان مطمئن است: اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای چشم‌اندازهای گسترده‌ای برای همکاری دارند، به‌ویژه که بسیاری از اهداف انجمن‌ها همزمان هستند: ایجاد زیرساخت کارآمدتر، توسعه حمل‌ونقل، سرمایه‌گذاری، رفع موانع برای جابه‌جایی کالا و خدمات، بهبود رویه‌های گمرکی، نزدیک‌تر کردن قوانین فنی به هم و غیره. (Владимировна, 2016) همکاری ویژه با هند و چین نیز به این دلیل مهم است که این رهبران منطقه‌ای مدل‌های خاص خود را برای اجرای پروژه جاده ابریشم دارند و اتحادیه اقتصادی اوراسیا باید این پروژه‌های یکپارچه‌سازی را ترکیب کند و رویکردهای مشترکی برای توسعه ابتکارات زیرساختی ایجاد کند. منطقه اوراسیا اثر هم‌افزایی ترکیب پتانسیل اتحادیه اقتصادی اوراسیا و بریکس نیز با در نظر گرفتن همکاری سیاسی، مالی، تجاری و زیرساختی موجود این گروه مهم است.

با وجود بیش از دو دهه فعالیت، سازمان همکاری شانگهای بیشتر در زمینه همکاری‌های بشردوستانه و مقابله با تهدیدات امنیتی غیرمرتبط با رویارویی ژئوپلیتیکی فعالیت کرده است. بخش تجاری و اقتصادی به دلیل ترجیح روسیه به عدم ترکیب پروژه‌های ادغام خود با پروژه‌های بزرگ‌تر، چندان توسعه نیافته است. این ترجیح به دلیل عدم تمایل روسیه به کاهش تسلط خود در این پروژه‌ها است. بنابراین، با وجود اینکه روسیه، چین و ایران به طور همزمان اعضای سازمان همکاری شانگهای هستند، نقش این سازمان در حل و فصل مسائل ژئوپلیتیکی حتی در فضای اوراسیا در درجه دوم اهمیت قرار دارد. سازمان همکاری شانگهای بیشتر بستری برای رهبران کشورهای ذینفع برای بحث در مورد مشکلاتی از این نوع است. در پلت فرم بریکس، بحث رویکردهای مشترک و درک مشترک از چندقطبی وجود دارد، که به معنای تقسیم جهان به بلوک نیست، بلکه به معنای تنوع قطعات در حال ظهور آن است. (Скриба Андрей Сергеевич, 2024:56-57)

سومین شکل همکاری در چارچوب سیاست خارجی مسکو در اوراسیا، ایران به عنوان سنگری در برابر فشارهای غرب و شریک امنیتی ارزشمندی محسوب می‌شود. ایران در مقابل تحمیل آموزه‌های لیبرالیسم و استانداردهای خارجی نقش مهمی ایفا می‌کند و به مسکو کمک می‌کند تا از نفوذ این آموزه‌ها در منطقه جلوگیری کند. در دوره‌هایی که نارضایتی از سیاست‌های ایالات متحده در داخل روسیه افزایش یافته، ایران به یکی از موضوعات بحث‌های سیاست خارجی روسیه تبدیل شده است. این مباحث بر ایجاد یک اتحادیه ژئوپلیتیکی با مراکز قدرت اصلی در خشکی اوراسیا، شامل چین، روسیه، هند و ایران، تمرکز دارند که به عنوان ایده «چهارضلعی اوراسیا» شناخته می‌شود. ریشه آن اتحادیه ای است که «پیشنهاد یوگنی پریماکوف وزیر امور خارجه اسبق روسیه در سال ۱۹۹۸م، را برای مثلث استراتژیک مسکو، پکن، دهلی» مطرح کرد **Лапенко Марина (Владимировна, 2016)**.

همانطور که لوکیانوف، دانشمند علوم سیاسی، اشاره می‌کند، «در قرن بیست و یکم، اوراسیا به طور فزاینده‌ای در مرکز توجه بین‌المللی قرار می‌گیرد. خواه تغییرات سیاسی، چشم‌اندازهای اقتصادی، پتانسیل منابع، خطرات و تهدیدها، و یا بحث در مورد مدل‌های جایگزین دولت-ملت‌ها، اوراسیا یک منطقه بالقوه منحصربه‌فرد است.» این منطقه می‌تواند نهادهای منطقه‌ای ایجاد کند و قوانین مشترک اعمال نماید و در این راستا، مدعی نقش رهبری در جهان شود تا شکل آینده جهانی‌سازی را تعیین کند. **(Цинсун Вань, 2017)**.

کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی «شمال-جنوب» توسط ایران، روسیه، هند و چین راه‌اندازی شده است. یک سیستم حمل‌ونقل ۷۵۰۰ کیلومتری شامل راه‌های ریلی، جاده‌ای و کشتیرانی است که هند را از طریق ایران به روسیه متصل می‌کند. کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب، کریدور شمال-جنوب همچنان توسط حامیانش به عنوان یک تغییر دهنده بازی معرفی می‌شود که مسافت را کوتاه می‌کند و هزینه حمل و نقل از جنوب آسیا به اروپا از طریق ایران و روسیه را کاهش می‌دهد. مشتاق‌ترین حامیان این پروژه حتی از آن به عنوان رقیب جدی کانال سوئز برای تجارت شرق و غرب یاد می‌کنند. با توجه به رقابت‌های بین‌المللی و تحریم‌ها علیه ایران و روسیه، مکانیسم‌هایی برای تضمین سودآوری و خودکفایی این کریدور باید ایجاد شود. ایجاد مناطق ویژه اقتصادی در طول مسیر برای تقویت همکاری اقتصادی اهمیت دارد. ایران نقش استراتژیکی در این پروژه دارد و توجه زیادی به ایجاد مناطق ویژه اقتصادی در مناطق مرزی خود مانند چابهار، مکران و منطقه خزر دارد.

#### ۴- نتیجه

روابط ایران و روسیه در دهه‌های اخیر بسیار تقویت شده است. دو کشور در زمینه‌های مختلفی از جمله اقتصادی، نظامی، و سیاسی همکاری‌های مشترک دارند. در زمینه اقتصادی، همکاری‌های مشترکی مانند پروژه‌های انرژی و تجارت بین دو کشور وجود دارد. ایران در توسعه روابط با اوراسیا محتاط است و به دنبال بازکردن کامل بازارهای خود به روی کشورهای عضو این سازمان نیست. با ارزیابی دورنمای ادغام ایران به اوراسیا به عنوان یک عضو کامل، می‌توان گفت که ابتدا لازم است با ایجاد و بهبود زیرساخت‌های حمل و نقل و لجستیک، ایران به حلقه اتصال در ساخت کریدورهای حمل و نقل بین‌المللی تبدیل بشود. به عنوان مثال، پروژه ترانزیت کالا بین روسیه و پاکستان از طریق ایران در مارس ۲۰۲۵م، برنامه‌ریزی شده است. تعامل اوراسیا و ایران نیز شامل عامل چین خواهد بود که گسترش ابتکار یک کمربند و یک جاده به سمت ایران و تعمیق همکاری‌های اقتصادی ایران و چین است. با این حال، این شرایط برای هر دو طرف مفید است. تعمیق روابط ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا با منافع سیاست خارجی ایران مطابقت دارد. برای مقابله با چالش‌ها و تهدیدات منطقه‌ای و تقویت سیستم امنیتی، ایران می‌تواند با کشورهای همسایه گفتگو و همکاری کند و سیستم امنیتی کشورهای خود را در منطقه تقویت کند. پیچیدگی وضعیت در اوراسیا پس از تشدید تنش بحران اوکراین در سال ۲۰۲۲م، و سیاست ایران در قبال آن نشان می‌دهد که چشم انداز روابط تهران و مسکو در سال‌های آینده می‌تواند بیشتر شود به شرطی که دو طرف جدیت داشته باشند. سیاست نگاه به شرق ایران، تحریم‌های گسترده غرب علیه روسیه به دنبال حمله روسیه به اوکراین و تصویب یک سیاست تمام عیار شرقی

منجر به تغییرات اساسی در روابط بین دو کشور شده است. همچنین، هر دو کشور تلاش می‌کنند با استفاده از این روابط، نفوذ خود را در منطقه افزایش دهند و در مقابل فشارهای بین‌المللی مقاومت کنند. با توجه به وابستگی متقابل و منافع مشترک، انتظار می‌رود روابط ایران و روسیه در آینده نیز به توسعه و تعمیق بیشتری برسد. همکاری در زمینه‌های اقتصادی و امنیتی می‌تواند به تقویت ثبات منطقه‌ای کمک کند و هر دو کشور را در موقعیت بهتری در صحنه بین‌المللی قرار دهد. این همکاری‌ها و روابط نزدیک، نشان‌دهنده تمایل دو کشور برای ایجاد یک نظام چندقطبی و یکجانبه‌گرایی غرب در منطقه است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که روابط ایران و روسیه به سوی همکاری بیشتر و تعاملات گسترده‌تر حرکت کند.

## منابع

- امید، علی (۱۳۸۸) منطقه گرایی در آسیا: نگاهی به سازمانهای آسه آن، سارک و اکو، تهران: وزارت امور خارجه.
- بهمن، شعیب؛ (۱۳۹۳) «نقش امریکا در همگرایی و واگرایی ایران و روسیه»، نشریه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال پانزدهم شماره ۲، پیاپی ۵۸، تابستان، صص ۱۷۰-۱۴۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۶) اصول و مبانی روابط بین الملل (۲)، تهران: سمت.
- شن، جیرو (۱۳۹۱) «چین و اوپک؛ منطقه‌ای شدن از منظر داخلی چین» (منطقه گرایی نو و آینده امنیت و توسعه، مجموعه کتاب‌های منطقه گرایی نو) بیوردن هتته، آندراش اینوتای، اوزوآلدوسونگل (ترجمه: علیرضا طیب)، (چاپ اول)، وزارت امور خارجه.
- علویان، مرتضی؛ حسن نیارمی، لیلیا (۱۳۹۸) «نوآر آسیاگرایی و سیاست خارجی روسیه نسبت به ایران»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۲۱، شماره ۱، پاییز زمستان، صص ۴۱۹-۴۳۴.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۳) روابط بین الملل نظریه‌ها و رویکردها، تهران: سمت.
- کولایی، الهه (۱۴۰۱) سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، تهران: سمت.
- لیک، دیویدای؛ مورگان، پاتریک ام (۱۳۹۲) نظم منطقه ای امنیت سازی در جهانی نوین، (ترجمه: جلال دهقانی فیروزآبادی)، (چاپ دوم)، تهران: مطالعات راهبردی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۱) تحول در نظریه‌های روابط بین الملل، تهران: سمت.
- هتته، بیوردن (۱۳۹۱) «جهانی شدن و منطقه گرایی نو؛ دومین دگرگونی بزرگ» (مجموعه کتاب‌های منطقه گرایی نو) بیوردن هتته، آندراش اینوتای، اوزوآلدوسونگل (ترجمه: علیرضا طیب)، (چاپ اول)، وزارت امور خارجه.
- Barbieri, G. (2019). Regionalism, globalism, and complexity: a stimulus towards global IR? *Third World Thematics: ATWQ Journal*, 4(6), 424-441. <https://doi.org/10.1080/23802014.2019.1685406>.
- Brzezinski, Z. (1997) The grand chessboard. *Harvard International Review*, 20(1).
- Charlius, P. (2024). International Cooperation in International Relations, [https://www.researchgate.net/publication/381155341\\_International\\_Cooperation\\_in\\_International\\_Relations](https://www.researchgate.net/publication/381155341_International_Cooperation_in_International_Relations).
- Dai, X., Snidal, D., & Sampson, M. (2017). *International Cooperation Theory and International Institutions*. Oxford Research Encyclopedia of International Studies. Retrieved 10Oct. 2024, from <https://oxfordre.com/internationalstudies/view/10.1093/acrefore/9780190846626.001.0001/acrefore-9780190846626-e-93>.
- Dinar, A., & Wolf, A. (1997). Economic and Political Considerations in Regional Cooperation Models. *Agricultural and Resource Economics Review*, 26(1), 7-22. doi:10.1017/S1068280500000794
- Grajewsk, N. (2020). Russia and Iran in Greater Eurasia, INSIGHTS, July, 2020 [https://mei.nus.edu.sg/wp-content/uploads/2020/07/INSIGHTS\\_July-2020.pdf](https://mei.nus.edu.sg/wp-content/uploads/2020/07/INSIGHTS_July-2020.pdf)

- Hettne, B., & Fredrik, S. (1998). The New Regionalism Approach Article, See discussions, stats, and author profiles for this publication at: <https://www.researchgate.net/publication/259714035> · October 1998
- Karami, J. (2022). Iran-Russia Relations: New Opportunities and Existing Problems. In *Quaestio Rossica*. Vol. 10, № 4. P. 1258–1273. DOI 10.15826/qr.2022.4.727
- Karaganov, S. (2018). The new Cold War and the emerging Greater Eurasia. *Journal of Eurasian Studies*, 9(2), 85-93. <https://doi.org/10.1016/j.euras.2018.07.002>
- Krickovic, A., & Igor, P. (2021). From “Greater Europe” to “Greater Eurasia”: Status concerns and the evolution of Russia’s approach to alignment and regional integration View all authors and affiliations Volume 12, Issue 1 March 15, 2021 <https://doi.org/10.1177/1879366521998808>
- Lewis, D.G. (2018). Geopolitical Imaginaries in Russian Foreign Policy: The Evolution of ‘Greater Eurasia.’ *Europe-Asia Studies*, 70(10), 1612–1637. <https://doi.org/10.1080/09668136.2018.1515348>
- Mesbahi, M. (2010). “Eurasia between Russia, Turkey, and Iran”, in *Key Players and Regional Dynamics in Eurasia: The Return of the ‘Great Game*, ed Maria Raquel Freire and Roger E Kanet (London: Palgrave Macmillan UK, 2010).
- Robert, K. (1985). *Achieving Cooperation Under Anarchy: Strategies and Institutions* Article in *World Politics* · October 1985 Princeton University 138 PUBLICATIONS 35,431 CITATIONS DOI:10.2307/2010357 CITATIONS 1,228 READS 6,487 2
- Saraswat, D. (2018). Iran's Look to the East Policy 2.0: Reconciling Foreign Policy Independence and Economic Smagin, Nikita, (2021) EAEU–Iran Trade and Its Prospects April 6, 2021 RIAC: EAEU–Iran Trade and Its Prospects ([russiancouncil.ru](http://russiancouncil.ru)) <https://russiancouncil.ru/en/analytics-and-comments/analytics/eaeu-iran-trade-and-its-prospects/>
- Vladimir, P. (2016). Spoke at the plenary session of the St Petersburg International Economic Forum. June 17, 2016 News · President · Events · President of Russia ([kremlin.ru](http://en.kremlin.ru)) <http://en.kremlin.ru/events/president/news/52178>
- Zeleneva I, V., Dr., Sci. (2022). History, Cand. Sci. (Political Science), professor of the Department of World Politics, Saint Petersburg State University (Saint Petersburg, Russian Federation).
- Яшкова Татьяна Алексеевна (2018). Становление и развитие современного Евразийского пространства. *Коммуникология*, 6(2), 85-93.
- Мешкова Татьяна Анатольевна, Изотов Владимир Сергеевич, Демидкина Ольга Вячеславовна, & Кофнер Юрий Кристофер (2019). Еаэс в меняющемся геополитическом контексте: приоритеты международного сотрудничества. *Вестник Российского университета дружбы народов. Серия: Политология*, 21 (1), 7-33.
- Лапенко Марина Владимировна (2018). Развитие евразийской интеграции: движение от "евразийской тройки" к континентальному Евразийскому партнерству. *Постсоветские исследования*, 1(8), 746-755. doi:10.24411/2618-7426-2018-00079
- Лапенко Марина Владимировна (2016). Внешний контур ЕАЭС: потенциал расширения и поиск оптимальных механизмов взаимодействия. *Известия Саратовского университета. Новая серия. Серия История. Международные отношения*, 16 (1), 71-76.
- Косов Юрий Васильевич, & Фролов Владимир Евгеньевич (2015). О перспективах расширения Евразийского экономического союза. *Управленческое консультирование*, (11 (83)), 59-65.
- Цинсун Вань (2017). Евразийский регионализм в западной теории международных отношений. Взгляд из Китая. *Научно-аналитический журнал Обозреватель - Observer*, (6 (329)), 47-55.

- Белов Владимир Иванович(2024),РОССИЯ И ИРАН НА ПУТИ К СТРАТЕГИЧЕСКОМУ ПАРТНЕРСТВУ. Научные труды Вольного экономического общества России,248(4),263-277.doi: 10.38197/2072-2060-2024-248-4-63-277
- Скриба Андрей Сергеевич(2024).Столкновение фрагментов? Влияние фрагментации мирового порядка на возрождение блокового соперничества. Актуальные проблемы Европы,(1)(121),42-64. doi:10.31249/ape/2024.01.03
- Орлова Ольга Геннадьевна(2020),Императивы экономической интеграции стран Евразийского экономического союза.Вестник Волгоградского государственного университета.Экономика,22(1),183-191 DOI: <https://doi.org/10.15688/ek.jvolsu.2020.1.16>
- Драганов А.А., & Самохина Г.В. (2016). Специфика российско-иранских отношений в контексте современной геополитической ситуации в мире. Общество: политика, экономика, право, (3), 43-45.
- Зеленева Ирина Владимировна (2022).СОТРУДНИЧЕСТВО ИРАНА И ЕАЭС: ПРОБЛЕМЫ И ПЕРСПЕКТИВЫ.Вестник Томского государственного университета.Философия. Социология. Политология,(67),140-148.doi:10.17223/1998863X/67/13
- Расулинежад Эхсан Абдолрасул, & Орлова Ольга Геннадьевна (2020). ТОРГОВО-ЭКОНОМИЧЕСКАЯ ИНТЕГРАЦИЯ ЕВРАЗИЙСКОГО ЭКОНОМИЧЕСКОГО СОЮЗА И ИСЛАМСКОЙ РЕСПУБЛИКИ ИРАН КАК НАПРАВЛЕНИЕ МЕЖДУНАРОДНОЙ ДЕЯТЕЛЬНОСТИ ЕАЭС. Московский экономический журнал, (10), 172-194. doi: 10.24411/2413-046X-2020-10699
- Мехдиев Эльнур Таджадинович(2017).Состояние и перспективы отношений Ирана со странами Центральной Азии и Закавказья.Международные отношения,(4),1-15.DOI: 10.7256/2454-0641.2017.4.23235